

## واکاوی زبان‌شناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن مجید (شواهدی از سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه)

عباسعلی آهنگر<sup>۱</sup>، اعظم میکده<sup>۲</sup>\*

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

ahangar@english.usb.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

a.meykadeh@modares.ac.ir

### چکیده

هم‌نشینی کلماتی که تمایل به ظاهرشدن در کنار یکدیگر دارند، فرایند باهم‌آیی نامیده می‌شود که نقش سازنده‌ای در شکل‌دهی نظام واژگانی زبان‌ها ایفا می‌کند. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا در پیکره‌ای به وسعت چهار سوره متوالی اسراء، کهف، مریم و طه، به بازنمایی باهم‌آیی‌ها در قرآن مجید پرداخته شود. کتابی که به برکت آن امروزه بیداری اسلامی در سراسر جهان گسترده شده است؛ لذا می‌طلبد که این مصحف شریف از ابعاد گوناگون واکاویده و اسرار آن بر ره‌پویان معارف اسلامی آشکار شود. بر مبنای ۲۰ رابطه مفهومی معرفی شده در این پژوهش، که ۱۷ رابطه آن در پیکره بررسی شده مشاهده شد، ۳۹۷ نمونه ترکیب باهم‌آیند (با احتساب نمونه‌های تکراری) از مجموع ۴۵۴ آیه استخراج شد که بیانگر بهره‌گیری گسترده قرآن مجید از فرایند باهم‌آیی به منظور القاء و انتقال مفاهیم و اصول معرفتی است. در این جستار روابط اسنادی، باهم‌آیی و تقابل بیشترین میزان وقوع را به خود اختصاص داده است. افزون بر این، نتایج این پژوهش نشان داد که برخلاف تعدد و تنوع موضوعات و نزول تدریجی قرآن، برخی از ترکیبات باهم‌آیند در جزء جزء قرآن مشاهده می‌شود که نه تنها منقطع و گسسته‌بودن قرآن را تأیید نمی‌کند؛ بلکه حکایت از زنجیره بهم‌پیوسته‌ای دارد که در کلیت آن، امر هدایت بشریت نهفته است. شناسایی و توصیف باهم‌آیی‌های ساده و چندگانه، یک‌سویه و دوسویه و بافاصله و بی‌فاصله از دستاوردهای این پژوهش است.

### واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، باهم‌آیی، رابطه اسنادی، تقابل.

## ۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر زبانی، قابلیت هم‌نشینی واژه‌ها با یکدیگر است که امکان تشکیل جمله و واحدهای بزرگتر زبان از جمله متن را به دست می‌دهد. در علم معناشناسی، از فرایند هم‌نشینی واژه‌ها که بویژه در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند، با نام باهم‌آیی<sup>۱</sup> یاد می‌شود (شریفی و نامور فرگی، ۱۳۹۱، ص ۴۰). هلیدی و حسن<sup>۲</sup> (۱۹۷۶، ص ۲۹۹) نیز ضمن معرفی باهم‌آیی به‌مثابه یکی از ابزارهای متن‌سازی و انسجام، آن را فرایند هم‌وقوعی عناصری قلمداد می‌کند که وابسته و تداعی‌کننده یکدیگرند.

هم‌نشینی واژه‌ها را می‌توان بر پایه دو اصل تبیین کرد: اصل اول، کثرت بسامد کاربرد واژه‌ها با یکدیگر یا به تعبیری آمیختگی معنایی واژه‌هاست که در ذهن گویشوران زبان با نام یک واژه مرکب و بعضاً یک واحد واژگانی تثبیت شده است. اصل دوم نیز به بافت‌های خاصی اشاره دارد که در آن واژه‌ها با یکدیگر هم‌نشینی می‌شوند بی‌آنکه بتوان هیچ رابطه ذهنی یا تشریح تداعی بین واژه‌ها برقرار کرد (شریفی و نامور فرگی، ۱۳۹۱، ص ۴۲). جستار حاضر که به واکاوی زبان‌شناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن کریم می‌پردازد، بر مبنای هر دو اصل فوق‌الذکر استوار است؛ بدین منظور، نگارندگان درصددند تا با بررسی پیکره‌ای از چهار سوره متوالی اسراء، کهف، مریم و طه که در بینامتنیت و تلمیحات مفهومی و نیز برخی ویژگی‌های زبانی با هم مرز مشترک دارند (عبدالرئوف، ۱۳۹۰، ص ۸۸)، به تبیین فرایند باهم‌آیی در مصحف شریف بپردازند و میزان کارایی آن را در انسجام متنی این اثر الهی محک بزنند. کتابی که به

فرموده خالقش هرگز نتواند کسی آیه‌ای همانندش آورد. در پژوهش حاضر، که به چگونگی ترکیبات هم‌نشینی در سطح آیه اختصاص دارد، اهداف و سؤال‌های زیر دنبال خواهند شد:

(۱) باهم‌آیی‌های قرآنی کدام‌اند؟

(۲) آیا تحلیل باهم‌آیی در پیکره‌ای به وسعت چهار سوره متوالی، تعمیم‌پذیر به کل متن قرآن هست؟

(۳) آیا ادعای ریچارد بل<sup>۳</sup> مبنی بر «منقطع بودن قرآن کریم» دفاع‌پذیر است؟

این مقاله با احتساب مقدمه که بخش نخست است، در پنج بخش تنظیم شده است. بخش دوم به مرور پیشینه مطالعات، پیرامون باهم‌آیی‌های واژگانی در قرآن مجید پرداخته است. در بخش سوم که به انواع روابط مفهومی بیناواژگانی اختصاص دارد، به معرفی اجمالی ۲۰ نوع متداول باهم‌آیی و ذکر شواهدی از بیش از ۴۰ سوره قرآن پرداخته می‌شود. در بخش چهارم، داده‌های پژوهش از بطن چهار سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه ارائه شده و در بخش پنجم نیز دستاورد مباحث مطرح شده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

فرث<sup>۴</sup> (۱۹۵۷) اصطلاح باهم‌آیی را در زبان‌شناسی نوین، نخستین بار مطرح کرد. وی بر این باور بود که معنای هر واژه از طریق واژه‌های هم‌نشینی با آن واژه مشخص می‌شود. کروزر<sup>۵</sup> (۱۹۸۶، ص ۴۰) نیز باهم‌آیی را هم‌وقوعی واژگانی می‌داند که از مفهومی شفاف و روشن برخوردارند و یک واحد معنایی محسوب می‌شوند. بنسون و همکاران<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) با تفکیک باهم‌آیی واژگانی و دستوری، باهم‌آیی واژگانی را هم‌نشینی اسم، صفت، فعل و یا قید عنوان کرده‌اند؛ در

میرعمادی و کربلانی صادق (۱۳۸۸) باهم‌آیی واژگانی را در آثار منظوم و منثور مولانا در چارچوب نظریه نقش‌گرایی بررسی کرده‌اند. آنها داده‌های تحقیقات خود را از رویکردهای مختلف معنایی، ساخت‌واژی و نحوی پردازش کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در فارسی امروز، باهم‌آیی‌های صفتی و سپس باهم‌آیی‌های عطفی با بسامد وقوع بیشینه از حداکثر کارایی برخوردارند؛ اما در آثار مولانا الگوی غالب در ساخت باهم‌آیی‌ها، ترکیب‌های مفعولی بوده است که این خود تغییر در الگوی ساختاری این ترکیب‌های واژگانی را نشان می‌دهد.

در حوزه پژوهش‌های قرآن-محور نیز باید به تحلیل سیدی و اخلاقی (۱۳۹۱) از رابطه باهم‌آیی واژگانی اشاره کرد که پیکره آن بزرگترین سوره قرآن کریم است. این پژوهشگران با معرفی ۱۵ رابطه معنایی، توانستند ۵۴ صورت باهم‌آیید را استخراج کنند.

شریفی و نامور فرگی (۱۳۹۱) با ارائه تقسیم‌بندی نوینی از انواع باهم‌آیی واژگانی به ویژگی‌های فرامنتی در شکل‌گیری انواع باهم‌آیی نیز پرداخته‌اند. در این پژوهش برای نخستین بار، هشت معیار برای تعیین باهم‌آیی‌ها در زبان فارسی ارائه شده است که عبارت‌اند از: بسامد، واژه محوری<sup>۸</sup>، سرایت و ویژگی<sup>۹</sup>، فاصله واژه‌های هم‌نشین، مشخصه‌های انتخاب معنایی، جدایی‌پذیری، قابلیت گسترش و شمّ زبانی. نکته تأمل‌برانگیز این تحقیق در این است که وجود یک واژه محوری، مهم‌ترین ویژگی باهم‌آیی‌ها قلمداد شده است. شایان ذکر است که دستیابی به معیار جدیدی برای تعیین واژه محوری در باهم‌آیی، یکی از دستاوردهای پژوهش شریفی و نامور فرگی (همان)

مقابل، باهم‌آیی دستوری را هم‌نشینی اسم، صفت و فعل که واژه غالب‌اند<sup>۷</sup> با یک حرف اضافه یا یک جمله‌واره معرفی کرده‌اند.

صفا و زمانی (۱۳۹۱) باهم‌آیی را هم‌نشینی کلمات یا گروهی از کلمات می‌دانند که میلی آشکار برای ظاهرشدن با یکدیگر دارند. پناهی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با نام فرایند باهم‌آیی و ترکیبات باهم‌آیید در زبان فارسی، با بررسی باهم‌آیی از نظرگاه‌های معنایی، ساخت‌واژی و نحوی به این نتیجه می‌رسد که تبیین و توضیح باهم‌آیی بر اساس معناشناسی موجه‌تر می‌نماید.

ابراهیمی و پهلوان‌نژاد (۱۳۹۲) به بررسی باهم‌آیی‌های واژگانی در خمسه نظامی پرداخته‌اند. آنها خاطر نشان کرده‌اند که روابط ترادف، تضاد، تقابل و شمول معنایی بیش از سایر روابط مفهومی در این اثر ادبی خودنمایی می‌کند؛ ضمن اینکه نظامی از باهم‌آیی‌های قرآنی و اساطیری نیز در خمسه خود بهره‌افر برده است. از جمله باهم‌آیی‌های قرآنی موجود در خمسه نظامی می‌توان به بهشت و دوزخ، صور و اسرافیل، ماهی و یونس، صالح و ناقه، یوسف و چاه، نوح و طوفان و سلیمان و تخت اشاره کرد. ابراهیمی در اثر مشترک دیگری با پهلوان‌نژاد و نادرنژاد (۲۰۱۲) باهم‌آیی‌های قرآنی را در بوستان سعدی واکاویده است، ابراهیمی و همکاران (همان) در این اثر انواع باهم‌آیی‌های بوستان را که ریشه در قرآن دارد، استخراج کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به آتش و خلیل، موسی و نیل، عصای موسی، ید موسی، یوسف و زلیخا، ماهی و یونس، گنج قارون، نفخه صور، ابلیس و سجود، شب قدر و یاجوج و ماجوج اشاره کرد.

«تاریکی شب و روشنایی روز حکمتی دارد»، دو عنصر باهم آیند شب و روز که رابطه تقابل دارند، با فاصله از هم در یک عبارت به کار رفته‌اند؛ درحالی که در باهم‌آیی‌های بی‌فاصله، واژگان هم‌نشین بدون فاصله و در مجاورت یکدیگر قرار دارند. ترکیبات باهم‌آیندی که بین آنها تنها یک واژه ربط قرار دارد، جزء باهم‌آیی‌های بی‌فاصله قرار می‌گیرد؛ چرا که واژه ربط به تنهایی نمی‌تواند تشکیل یک گروه دستوری جداگانه بدهد. باهم‌آیی‌های ساده و چندگانه نیز تقسیم‌بندی دیگری است که شریفی و نامور فرگی (همان، ۱۰) به آن پرداخته‌اند. در باهم‌آیی‌های ساده صرفاً دو واژه با یکدیگر هم‌نشین می‌شوند؛ در حالی که در باهم‌آیی‌های چندگانه، تعداد واژگان بیش از دو تا است.

۳- ادعای ریچارد بل در خصوص «منقطع بودن قرآن»  
ریچارد بل نویسنده کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن» معتقد است که متن قرآن منقطع و گسسته است و با ذکر دلایلی چند به دفاع و اثبات مدعای خود می‌پردازد (۱۹۵۳). وی در اثر خود می‌نویسد در آغاز، آیات قرآن روی تکه کاغذها نگاشته شده و به مرور زمان آیات دیگری به آنها الصاق شده است و زمانی که تصمیم گرفتند تا قرآن به صورت کتابی منسجم و یکپارچه درآورده شود، تکه کاغذها بدون وقفه برخوانده و سپس نسخه‌برداری شده‌اند. آنگاه پس از نسخه‌برداری، با قراردادن تکه کاغذها در کنار یکدیگر، صفحات قرآن تدوین شده است. وی عوامل نامبرده را از جمله نمونه‌هایی می‌داند که سبب آشفتگی و ناخوانا بودن قرآن را شده است؛ ضمن اینکه وی بر این باور است که برخی آیات هیچ ارتباطی با سایر

است. آنها با بررسی تعداد زیادی از واژگان هم‌نشین در زبان فارسی به این نتیجه رسیده‌اند که معیار نهایی برای تعیین واژه محوری در باهم‌آیی نمی‌تواند بسامد باشد؛ بلکه معیار کاربردی برای تعیین واژه محوری می‌تواند سرایت ویژگی باشد؛ بدین معنا که جهت تراوش معنایی در هر باهم‌آیی همواره از واژه محوری به سمت دیگر واژه‌های همراه است؛ به گونه‌ای که واژه محوری معنای کلی باهم‌آیی را تعیین می‌کند (همان: ص ۴۷). در ادامه، شریفی و نامور فرگی (همان) دو ویژگی بسیار مهم درباره واژه محوری را به شرح زیر مطرح می‌کنند:

۱) واژه محوری در باهم‌آیی الزاماً با واژه محوری نحوی که هسته در گروه‌های نحوی است، مطابقت ندارد.

۲) ممکن است هر دو واژه یک ترکیب باهم آیند، واژه محوری باشند؛ به عبارتی دیگر، سرایت ویژگی در باهم‌آیی ممکن است دوسویه باشد.

مسئله دیگری که پژوهشگران در پژوهش فوق به آن پرداخته‌اند، مبحث هم‌جواری واژه‌های باهم‌آیند است. شریفی و نامور فرگی (همان: ۷-۹) معتقدند که فاصله بین واژه‌های همراه نباید بیشتر از یک گروه دستوری باشد. آنان از منظر هم‌جواری، باهم‌آیی‌ها را به باهم‌آیی بافاصله و بی‌فاصله تقسیم‌بندی کرده‌اند. در باهم‌آیی بافاصله، بین واژه‌های هم‌نشین، واژه یا واژه‌های دیگری قرار می‌گیرد که این واژه‌های میانی خود تشکیل گروه یا گروه‌های دستوری متفاوتی را می‌دهند. حتی ممکن است واژه‌های هم‌نشین در دو جمله متفاوت، ولی متوالی و مرتبط با یکدیگر واقع شوند؛ اما از آنجا که به نوعی تکمیل‌کننده معنای یکدیگرند، جزء باهم‌آیی‌ها قرار می‌گیرند. در جمله

تلمیحات مفهومی و نیز برخی ویژگی‌های زبانی و آوایی با هم مرز مشترک دارند، ویژگی متنی تنوع سبکی برخی آیات این سوره را بررسی می‌کند. وی در مقام روش ارائه، تنوع سبکی را در راستای بسط متن و ارتباط معنایی تحلیل کرده است و در نهایت با ذکر دلایلی متقن به بی‌پایه و بی‌اساس بودن ادعای ریچارد بل صحه گذاشته و حفظ بسط متنی و انسجام معنایی را در قرآن تأیید کرده است.

#### ۴- روابط مفهومی بیناواژگانی

واژه «باهم‌آیی» نشأت گرفته از collocare لاتین به معنای «با هم قرار دادن» است. اجزاء تشکیل دهنده باهم‌آیی‌ها، هسته و وابسته، به‌طور تصادفی با یکدیگر هم‌نشین نمی‌شوند؛ بلکه محدودیت‌هایی در این هم‌نشینی دخیل است؛ به گونه‌ای که هر هسته‌ای جزء وابسته خود را می‌طلبد که به وضوح معنایی آن ترکیب منجر می‌شود. باهم‌آیی مبین وجود رابطه معنایی بین واژگانی است که بر روی محور هم‌نشینی واقع شده‌اند. بعضاً به علت کثرت کاربرد برخی واژه‌ها با یکدیگر، به محض مشاهده یکی از دو واژه باهم‌آیند در بافت زبانی<sup>۱</sup>، به‌طور ناخودآگاه واژه دیگر نیز به ذهن متبادر می‌شود؛ البته باید متذکر شد که این یک اصل مطلق نیست. بعضاً نیز مشاهده می‌شود که مرز قاطعی بین روابط واژگانی وجود ندارد. رابطه بین دو جفت واژه اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ در قرآن کریم از این دست است. از یک سو، می‌توان رابطه بین این دو واژه را باهم‌آیی عطفی قلمداد کرد؛ چرا که در ترکیبات همیشه به صورت عطفی به کار می‌روند، از سوی دیگر می‌توان آنها را واژه‌های متضاد نیز در نظر گرفت. در ذیل این بخش به معرفی شناخته‌شده‌ترین روابط واژگانی پرداخته می‌شود.

آیات و حتی با کل سوره ندارند (عبدالرئوف، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

عبدالرئوف استاد مطالعات قرآنی دانشگاه لیدز انگلستان در تحقیق خود که در پرتو روش‌های بسط متن در سوره‌های اسراء، کهف، مریم و طه تقریر شده است، ادعاهای ریچارد بل را به طرز نظام‌مند بررسی می‌کند (عبدالرئوف، ۲۰۰۵). عبدالرئوف با بررسی ویژگی‌های سنخی بسط متنی و مضمونی این چهار سوره، درصدد است تا دریابد آیا این گونه تحلیل متنی را می‌توان در کل متن قرآن به کار گرفت یا خیر؟ آنچه در ادامه این بخش می‌آید، ترجمه مقاله عبدالرئوف است که ابوالفضل حرّی (۱۳۹۰) انجام داده و در مجله پژوهش‌های قرآنی به چاپ رسیده است:

گفتمان قرآنی با بهره‌گیری از سازوکارهای دستوری و دلالت‌پردازی معنایی و ویژگی‌های مؤلفه‌ای واژه‌ها، بین آیات متوالی ارتباط مفهومی ایجاد کرده است و حتی میان تعداد معینی از سوره‌ها نیز رابطه بینامتنی برقرار می‌کند. متن کاو با عنایت به عوامل بافت برون و درون‌زبانی که بر تقابل بن‌مایه‌هایی که واحدهای سازنده سوره‌های معینند و واژگانی که به آیه‌ای معین شکل می‌دهند، تحقیق خود را به پیش می‌برد. این‌گونه تحلیل متنی در سطوح میان و بینا-آیه‌ای انجام می‌شود؛ به عبارتی دیگر در گفتمان قرآنی، زنجیره‌مندی متنی می‌تواند در بطن یک سوره، میان خوشه‌ای از دو یا چند سوره متوالی، در بطن آیه یا میان خوشه‌ای از آیات رخ دهد (عبدالرئوف، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

عبدالرئوف با این ادعا که چهار سوره مذکور، گروهی پیوسته را تشکیل می‌دهند که در بینامتنیت و

#### ۴-۱- شمول معنایی<sup>۱۱</sup>

چنانچه مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح می‌شود. این رابطه در واقع رابطه بین یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است. واژه‌ای که مفهومش واژه‌های دیگر را در بر می‌گیرد، واژه شامل<sup>۱۲</sup> و واژه‌ای که بر مفاهیم تحت شمول دلالت دارد، زیرشمول<sup>۱۳</sup> نامیده می‌شود. واژه‌های زیر شمول نیز نسبت به یکدیگر واژه‌های هم‌شمول<sup>۱۴</sup> تلقی می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۰-۱۰۱): ﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ...﴾ (نحل: ۱۱). در این آیه نَمَر (به معنای میوه) واژه شامل نامیده می‌شود. هر یک از واژه‌های «الزَّيْتُونَ»، «النَّخِيل» و «الأعْنَاب» برای نَمَر واژه زیرشمول به حساب می‌آیند. واژه‌های «الزَّيْتُونَ»، «النَّخِيل» و «الأعْنَاب» نیز نسبت به یکدیگر واژه‌های هم‌شمول تلقی می‌شوند.

#### ۴-۲- جزءواژگی<sup>۱۵</sup>

سعید (۲۰۰۹: ص ۷۰) می‌نویسد:

جزءواژگی اصطلاحی است که رابطه کل به جزء را بین روابط واژگانی نشان می‌دهد؛ لذا cover و page جزئی از book هستند. این رابطه را می‌توان با جملاتی نظیر X جزئی از Y است، یا اینکه X، Y دارد، مطرح ساخت. جزءواژگی حاکی از نوعی رابطه سلسله‌مراتبی بین عناصر واژگانی است.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ...﴾ (انعام: ۹۹). در آیه مذکور می‌توان رابطه نَبَات (گیاه) را با خَضِرًا (شاخه‌های سبز)، حَبًّا (دانه)، طَلْع (شکوفه خرما) و

قِنْوَان (جمع قنو به معنای خوشه‌های خرما) از این دست دانست.

#### ۴-۳- واحدواژگی<sup>۱۶</sup>

واحدواژگی اصطلاحی است که می‌توان برای اشاره به نوعی رابطه مفهومی بین دو واژه در نظر گرفت که یکی به مثابه واحد شمارش برای واژه دیگر به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۵): ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ...﴾ (لقمان: ۱۶). در آیه مذکور واژه مِثْقَال و حَبَّة واحد شمارشی برای واژه خردل هستند.

#### ۴-۴- عضوواژگی<sup>۱۷</sup>

عضوواژگی، به رابطه بین یک واژه که یک مجموعه<sup>۱۸</sup> است، دلالت دارد که دربرگیرنده یکایک اعضاء<sup>۱۹</sup> است (سعید، ۲۰۰۹، ص ۷۱): ﴿...جَنَّةٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ...﴾ (بقره: ۲۶۶). بدین ترتیب، می‌توان این گونه استدلال کرد که جَنَّة (باغ) «مجموعه» است و هر یک از واژگان نَخِيل (درختان خرما) و أَعْنَاب (درختان انگور) «عضو» این مجموعه هستند.

#### ۴-۵- هم‌معنایی<sup>۲۰</sup>

صفوی (۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۰۸) در تعریف هم‌معنایی می‌نویسد: اگر دو واژه به جای یکدیگر به کار روند؛ اما در معنای زنجیره گفتار تغییری حاصل نشود، می‌توان آن دو واژه را هم‌معنا قلمداد کرد؛ البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هم‌معنایی مطلق در هیچ زبانی یافت نمی‌شود. وی ممکن نبودن وقوع هم‌معنایی مطلق در نظام زبان را در نمونه‌های ذیل می‌داند:

درجه‌بندی‌اند: ﴿... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ (بقره: ۲۴۹). قلیل و کثیر با امکان درجه‌بندی به صورت اقل و اکثر نمونه‌ای از تقابل مدرج است.

#### ۴-۶-۲- تقابل مکمل<sup>۲۴</sup>

شرایطی که در آن نفی یکی از واژه‌های متقابل، اثبات واژه دیگر است. این دسته از متقابل‌ها که در میان انواع کلمات جای می‌گیرند به لحاظ کیفیت درجه‌بندی نمی‌شوند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى...﴾ (حجرات: ۱۳). ذکر و أنثی نمونه‌ای از تقابل مکمل یا درجه‌ناپذیر است.

#### ۴-۶-۳- تقابل دوسویه<sup>۲۵</sup>

در این فرایند واژگان متقابل در رابطه دوسویه با یکدیگر قرار دارند: ﴿...وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَكُلُّهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ...﴾ (نساء: ۱۲). در آیه مذکور أخ و أُخْت (برادر و خواهر) رابطه دوسویه برقرار کرده‌اند. در آیه زیر نیز رابطه الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ از این دست است: ﴿...وَإِنْ يَسْأَلْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ...﴾ (حج: ۷۳).

#### ۴-۶-۴- تقابل جهتی<sup>۲۶</sup>

این تقابل مستلزم حرکت به سوی یا از سوی گوینده است: ﴿وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ...﴾ (اسراء: ۸۰). در آیه مذکور رابطه بین ادْخَلَ و اَخْرَجَ از نوع تقابل جهتی است؛ علاوه بر این، تقابل جهتی به تغییر یا حرکتی در جهت مخالف نیز اشاره دارد: ﴿قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

(۱) ممکن است واژگان هم‌معنا در رابطه شمول معنایی باشند.

(۲) ممکن است واژگان هم‌معنا با واژه‌هایی هم‌نشین باشند که امکان جانمایی با سایر واژگان را از آنها سلب کند.

(۳) ممکن است واژگان هم‌معنا به گونه‌های زبانی مختلفی تعلق داشته باشند.

(۴) ممکن است واژگان هم‌معنا در بار عاطفی با یکدیگر تفاوت داشته باشند.

در آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ...﴾ (توبه: ۶۰)، می‌توان به واژگان فُقَرَاءِ و الْمَسَاكِين اشاره کرد که تقریباً هم‌معنا به حساب می‌آیند.

#### ۴-۶-۶- تقابل معنایی<sup>۲۱</sup>

از واژه‌هایی که مفهوم یکی از آنها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته است، واژه‌های متقابل نامیده می‌شوند؛ به عبارتی دیگر، واژگانی که در یک حوزه معنایی<sup>۲۲</sup> قرار دارند و مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند؛ اما در یک مشخصه معنایی که حضور یا حضورنداشتن آن مشخصه را بیان می‌کند از یکدیگر متمایز شده‌اند، در این دسته از تقابل قرار می‌گیرند؛ البته بعضاً واژگانی به چشم می‌خورند که فی‌الذمه در تقابل نیستند؛ بلکه یکی از شرایط لازم و کافی آنها با هم در تقابل است. صفوی (۱۳۸۷) انواع تقابل را در زبان فارسی به شرح ذیل توصیف می‌کند:

#### ۴-۶-۱- تقابل مدرج<sup>۲۳</sup>

شرایطی که در آن نفی یکی از واژه‌های متقابل، اثبات واژه دیگر نیست. این دسته از متقابل‌ها که در میان صفات جای می‌گیرند به لحاظ کیفیت قابل

وَمَا بَيْنَهُمَا... ﴿ (شعراء: ۲۸). مَشْرِقٌ وَّ مَغْرِبٌ در آیه فوق مبین این نوع رابطه است.

#### ۴-۶-۵- تقابل واژگانی<sup>۲۷</sup>

در این فرایند واژه‌های متقابل به کمک تکواژهای منفی‌ساز در تقابل واژگانی با یکدیگر قرار می‌گیرند: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ...﴾ (انعام: ۱۴۱). در آیه مذکور واژگان مَعْرُوشَاتٍ وَّ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ (با داربست و بدون داربست) و مُتَشَابِهٌ وَّ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ (همگن و ناهمگن) به کمک تکواژ منفی‌ساز «غیر» در تقابل با یکدیگر هستند. ﴿...وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...﴾ (نور: ۱۹). افعال يَعْلَمُ وَّ لَا تَعْلَمُ در آیه فوق نیز صرفاً به مدد تکواژ منفی‌ساز «لا» در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

#### ۴-۶-۶- تقابل ضمنی<sup>۲۸</sup>

در این نوع تقابل که برای نخستین بار از سوی صفوی معرفی شده است، ویژگی‌ای برای هر واژه در نظر گرفته شده است که می‌تواند جزء شرایط لازم و کافی مفهوم آن واژه نیز باشد. صفوی (۱۳۸۷) معتقد است که این ویژگی در تقابل با مختصه‌ای قرار می‌گیرد که برای واژه دوم در نظر گرفته شده است؛ لذا دو واژه مذکور در معنی ضمنی خود در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند: ﴿وَمَنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدَّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا...﴾ (آل عمران: ۷۵). قنطار یکی از اوزان اسلامی است که در اندازه آن اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد؛ اما این واژه در این آیه

شریفه قرآن به مال بسیار فراوان اشاره دارد که در تقابل با دینار (کنایه از مال اندک) قرار گرفته است؛ البته این دو واژه فی‌الذات در تقابل با یکدیگر قرار ندارند؛ بلکه یکی از مؤلفه‌های معنایی آنها (در اینجا قلت و کثرت) که در واقع یکی از شرایط لازم و کافی آنها نیز به شمار می‌رود، موجب تقابل ضمنی این دو واژه شده است.

#### ۴-۷-۷- تباین معنایی<sup>۲۹</sup>

صفوی (همان) معتقد است تباین معنایی تقابل معنایی بین مفهوم چندواژه در یک حوزه معنایی است که نفی یکی از آنها، تأیید دیگر اعضای این حوزه است. وی به دو نمونه تباین معنایی اشاره کرده است که در ذیل این بخش به آنها پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۷-۱- تباین متقاطع<sup>۳۰</sup>

در این فرایند، واژه‌های متباین دو به دو در تقابل با یکدیگر قرار دارند: ﴿ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ...﴾ (اعراف: ۱۷). در آیه فوق چهار جهت بین آیدی (به معنای جلو و پیش رو)، خَلْفٌ (به معنای پشت سر)، أَيْمَانٌ (جمع شمال به یمین به معنای راست) و شَمَائِلٌ (جمع شمال به معنای چپ) در قالب تباین متقاطع مطرح شده است.

#### ۴-۷-۲- تباین خطی<sup>۳۱</sup>

در این نوع تباین، اعضاء در تقابل با یکدیگر قرار ندارند و هر عضو صرفاً در فاصله بین دو عضو دیگر قرار گرفته است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى...﴾ (شوری: ۱۳). همان‌گونه که آیه فوق نشان





(یونس: ۵) نیز واژگان ضیاء و نُوراً هر دو به معنای نور و مترادف یکدیگر هستند؛ اما ضیاء جنبه ذاتی و نُوراً جنبه اکتسابی دارد؛ لذا هر یک به اقتضای معنای کاربردی خود با واژگان الشَّمْسُ و الْقَمَرُ هم‌نشین شده‌اند.

#### ۴-۱۲-۱- باهم‌آیی هم‌نشینی<sup>۳۳</sup>

باهم‌آیی هم‌نشینی به وقوع واژه‌هایی با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی اشاره دارد. در این‌گونه از باهم‌آیی که برای اهل زبان از پیش تعیین شده است، عموماً فعلی یا صفتی بر روی محور هم‌نشینی در کنار اسمی ظاهر می‌شود (همان، ص ۱۹۷): ﴿... إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۶). در آیه فوق رابطه صِرَاطٍ و مُسْتَقِيمٍ از نوع باهم‌آیی هم‌نشینی است.

واژه صِرَاطٍ یکی از واژگان کلیدی در مصحف شریف است که در لغت به معنای راه ذکر شده است. این واژه، صرفاً با صفت مستقیم و جحیم در قرآن هم‌نشین شده است. ترکیب «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» قریب به ۳۵ مرتبه و ترکیب «صِرَاطٍ جَحِيمٍ» فقط یک‌بار (سوره مبارکه صافات/ ۲۳) در قرآن کریم به کار رفته است. در همین راستا می‌توان به جفت‌واژه یَوْمَ الْقِيَامَةِ در آیه زیر اشاره کرد که نمونه‌ای از باهم‌آیی اسم + اسم در قرآن مجید است. در مصحف شریف واژه الْقِيَامَةِ صرفاً با واژه یَوْمَ هم‌نشین شده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ﴾ (مائده: ۳۶).

#### ۴-۱۲-۲- باهم‌آیی متداعی<sup>۳۴</sup>

باهم‌آیی متداعی نیز به باهم‌آیی واژه‌ها بر حسب ویژگی‌ای که آنها را در یک حوزه معنایی قرار می‌دهد،

اطلاق می‌شود (همان، ص ۱۹۸): ﴿...وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ...﴾ (اعراف: ۵۴). در آیه فوق می‌توان برحسب حوزه معنایی اجرام آسمانی، واژگان «الشَّمْسُ»، «الْقَمَرُ» و «النُّجُومُ» را در رابطه باهم‌آیی متداعی با یکدیگر دانست. علاوه بر آیه فوق‌الذکر، ترکیب «الشَّمْسُ»، «الْقَمَرُ» و «النُّجُومُ» در سُورَ شَرِيفُهُ یوسف/ ۴، نحل/ ۱۲، حج/ ۱۸ و الرحمن/ ۵-۶ نیز به کار رفته است.

بر حسب جوارح انسان نیز می‌توان واژگان «السَّمْعُ»، «الْأَبْصَارُ» و «الْأَفْئِدَةُ» را در رابطه باهم‌آیی متداعی با یکدیگر دانست: ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ...﴾ (ملک: ۲۳). باهم‌آیی «السَّمْعُ»، «الْأَبْصَارُ» و «الْأَفْئِدَةُ» علاوه بر آیه فوق‌الذکر، در سُورَ مبارکه نحل/ ۷۸ و ۱۰۸، اِسْرَاءُ/ ۳۶، مؤمنون/ ۷۸، سجده/ ۹، حج/ ۶۷، احقاف/ ۲۶ و جاثیه/ ۲۳ نیز مشاهده شد؛ ضمن اینکه آیات ۲۰ و ۲۲ سوره فصلت نیز باهم‌آیی «سَمْعُ»، «أَبْصَارُ» و «جَلُودُ» را در خود جای داده است.

#### ۴-۱۲-۳- رابطه باهم‌آیی عطفی<sup>۳۵</sup>

در این نوع رابطه، اسامی باهم‌آیند با حروف عطف با یکدیگر هم‌نشین می‌شوند. در آیه زیر ارتباط الشَّمْسُ و الْقَمَرُ و نیز اللَّيْلُ و النَّهَارُ از نوع باهم‌آیی عطفی محسوب می‌شود: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ (ابراهیم: ۳۳). نیز می‌توان به جفت‌واژه‌های رَعْدٌ و بَرْقٌ (بقره/ ۱۹) و السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ (یوسف/ ۱۰۵) در مصحف شریف اشاره کرد.

#### ۴-۱۲-۴- باهم‌آیی جهتی<sup>۳۶</sup>

در این رابطه، یکی از واژه‌های باهم‌آیی بیانگر جهت واژه محوری است (شریفی و نامور فرگی،

#### ۴-۱۴- رابطه علی

رابطه‌ای که در آن یکی از دو واژه باهم‌آیند علت و منشأ واژه دیگر واقع شود (پهلوان-نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ص ۱۱۶): ﴿...أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸). در آیه فوق ذکرِ الله علت و منشأ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ است.

#### ۴-۱۵- رابطه مکان

به‌طور کلی، ارتباط بین جفت‌واژه‌هایی که در آن یکی از دو واژه باهم‌آیند، بُعد مکانی واژه دیگر را ترسیم می‌کند، بر مبنای رابطه مکان تبیین‌پذیر است. در این راستا، می‌توان به ارتباط جفت‌واژه‌های السَّمَاءِ و ماء اشاره کرد که السَّمَاءِ مکانی برای نزول آب تعبیه شده است: ﴿...وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾ (روم: ۲۴).

#### ۴-۱۶- چند معنایی ۳۷

چند معنایی شرایطی است که یک واحد زبانی از چند معنی برخوردار باشد؛ به عبارتی دیگر یک لفظ بین چند معنا و مقصود مشترک باشد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱). از سوی دیگر، صفوی (همان، ص ۱۱۷) مدعی است که چند معنایی در زبان، ویژگی برخی از واژه‌ها نیست؛ بلکه شرایطی است که بر حسب انتخاب و ترکیب، تمامی واحدهای نظام واژگانی زبان را شامل می‌شود و وقوع این رابطه مفهومی به افزایش و کاهش معنایی مربوط است. برای نمونه می‌توان به واژه فتنه در قرآن اشاره کرد که در ۷ معنی مختلف به‌کار رفته است از جمله: امتحان و آزمایش / انبیاء: ۱۱۱، عذاب / صافات: ۶۳، شرک و کفر / انفال: ۳۹، گمراهی و ضلالت / آل عمران: ۷، مصیبت و بلا /

۱۳۹۱، ص ۵۳). رابطه دو واژه تَحْت و أَرْجُل نمونه‌ای از باهم‌آیی جهتی است: ﴿يَوْمَ يَعْتَبِرُ الْعَذَابُ مَنْ قُوْفِهِمْ وَمَنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...﴾ (عنکبوت: ۵۵).

#### ۴-۱۳- رابطه ندایی

یکی از شیوه‌های قرآن در بیان مفاهیم و مطالب از سوی خداوند حکیم، بهره‌گیری از شیوه خطاب و مخاطب است. خداوند با این اسلوب فضایی را فراهم می‌سازد تا ضمن فراخوانی بشریت در محضر الهی، آنها را متوجه پیام و کلام وحی کند. بی‌تردید خالق هستی به‌منظور جذب و هدایت همه انسان‌هایی که در پهنه زمین و گستره زمان بسر می‌برند، قرآن را بر قلب پیامبر عظیم الشان اسلام نازل کرد. در فرایند خطاب و مخاطب سه عنصر منادی (آنکس که خطاب می‌کند)، منادا (آنکس که خطاب متوجه اوست) و حروف ندا (ادات و وسیله ندا هستند که بعضاً نیز ممکن است قید نشود) دخیل است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (احزاب: ۷۰). در این آیه شریفه «یا» ادات ندا، «مؤمنین» عنصر منادا و خداوند عزوجل نیز منادی است. در همین راستا، فلاحتی قمی (۱۳۹۰، ۴۷) مطرح کرده است که نداها الهی در قرآن گاهی با واسطه است، مانند: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ...﴾ (آل عمران: ۹۸) که خداوند پیامبر اکرم (ص) را مخاطب ساخته، پیام خود را از طریق آن حضرت به مردم می‌رساند، و گاهی بی‌واسطه است، مانند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ (فجر: ۲۷-۲۸)؛ اگرچه که تغییر لفظی، بدون واسطه است و گرنه در تنزل وحی حتماً به‌واسطه رسول اکرم (ص) خواهد بود.

نور: ۶۳، نفاق و تفرقه / توبه: ۴۷، عذر و بهانه / انعام: ۲۳.

(رضوانی و قنسولی، ۱۳۹۰).

#### ۴-۱۷- رابطه ترتیب خطی

این رابطه به تبیین ارتباط واژه‌هایی می‌پردازد که مستلزم حرکت در واحد زمان است: ﴿لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (طلاق: ۱۱). تبلور والاترین هدف الهی که هدایت انسان‌ها از تاریکی به سوی نور است، در جای جای مصحف شریف به چشم می‌خورد. این هدایت که در گذر از واژه الظُّلُمَاتِ به سوی واژه النُّور عینیت پیدا می‌کند، مستلزم حرکت در واحد زمان است. در همین راستا، می‌توان به ارتباط دو جفت‌واژه حَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اشاره کرد که قطعاً بیانگر این نکته است که زیست در دنیا مقدمه حرکت و انتقال به سوی آخرت است؛ لذا در آیات مختلفی (ابراهیم/۳، بقره/۸۶، نساء/۷۴، یونس/۶۴، توبه/۳۸، رعد/۲۶) این ترتیب خطی ملموس است. آیه زیر نیز دال بر این ادعاست: ﴿وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (زخرف: ۳۵). نیز می‌توان به جفت‌واژه‌های أُمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ اشاره کرد. این جفت‌واژه قریب به ۸ مرتبه (آل عمران/۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۴، اعراف/۱۵۷، توبه/۷۱ و ۱۱۲، حج/۴۱ و لقمان/۱۷) در قرآن کریم با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند که در کلیه این نمونه‌ها أُمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ مقدم بر نهی عَنِ الْمُنْكَرِ بوده است. آیه زیر شاهدهی است بر این ادعا ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه: ۷۱). در این مجال به علت اطالۀ کلام، از ذکر بیان‌های مفسران قرآن در ارتباط با تقدم و تأخر این جفت‌واژه‌ها پرهیز می‌شود.

#### ۴-۱۸- رابطه نقشی ۳۸

رابطه نقشی به تبیین ارتباط واژه‌هایی می‌پردازد که در آن یکی از دو واژه باهم آیند در جهت انجام فعلی، نقشی ایفا می‌کند. در آیه زیر نقش الصَّلَاةُ، تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ است: ﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (عنکبوت: ۴۵). در آیه زیر نیز رابطه الْكِتَابِ بِأَهْدَى وَرَحْمَةً از نوع رابطه نقشی است؛ به عبارتی دیگر نقش کتاب، هدایت و رحمت خلق است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (قصص: ۴۳).

#### ۴-۱۹- رابطه اسنادی ۳۹

این رابطه به تبیین ارتباط جفت‌واژه‌هایی می‌پردازد که یکی از دو واژه باهم آیند، مبین مشخصات و خصوصیات واژه دیگر است؛ به عبارتی دیگر صفتی همراه اسمی می‌آید و چگونگی اسم را از قبیل رنگ، شکل، اندازه، ارزش، حالت، وضع، نسبت و... بیان می‌کند (شریفی و مولوی وردجانی، ۱۳۸۷: ص ۶۲)؛ بنابراین رابطه اسنادی به نوعی رابطه اطلاق می‌شود که در آن هم‌آیی اسم و صفت، منجر به باهم‌آیی واژگانی می‌شود: ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ (یس: ۸۱). کلمات باهم‌آیند خَلَّاقُ الْعَلِيمُ که از صفات خداوند محسوب می‌شوند، از این دست هستند. در آیه زیر نیز واژه مَبِينٌ حالت و چگونگی فَتْحَ را بیان می‌کند: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ (فتح: ۱).

#### ۴-۲۰- رابطه مالکیت

رابطه‌ای که در آن یکی از دو واژه باهم‌آیند مالک و واژه دیگر مملوک واقع شود: ﴿رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ﴾ (دخان: ۷). در این آیه، واژه رَبِّ مالک و السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ نیز مملوک نامیده می‌شود.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش شد تا بعد از استخراج باهم‌آیی‌ها در پیکره‌ای به وسعت چهار سوره متوالی، به واکاوی روابط مفهومی بین‌واژگانی پرداخته شود. اطلاعات آماری سُور مطالعه‌شده در جدول ۲ مشاهده می‌شود؛ ضمناً در جستار حاضر از قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۹۰) استفاده شد.

جدول ۱- اطلاعات آماری سُور مطالعه‌شده

جزء	اسراء	کهف	مریم	طه
محل نزول	مکه	مکه	مکه	مکه
تعداد آیات	۱۱۱	۱۱۰	۹۸	۱۳۵
تعداد کلمات	۱۵۳۴	۱۵۸۹	۹۷۲	۱۱۷۷

لازم به ذکر است که در این پژوهش ملاک تعیین جفت‌واژه‌های باهم‌آیند، متن عربی قرآن بوده است و نه ترجمه فارسی آن. برای مثال در آیه زیر در متن قرآن واژه «علم» با هیچ واژه‌ای همراه نشده است؛ اما به‌صورت جفت‌واژه علم و دانش ترجمه شده است که در زبان فارسی می‌تواند تحت رابطه هم‌معنایی قرار گیرد؛ لذا بررسی نمونه‌هایی از این قبیل از دستور

کار خارج شد و در لیست انواع باهم‌آیی قرار نگرفت: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء: ۸۵). بر مبنای تعاریف مطرح‌شده از روابط مفهومی در بخش سوم، انواع روابط بین‌واژگانی در سُور مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه با ذکر میزان هم‌جواری ترکیبات باهم‌آیند، در جداول ۲، ۳، ۴ و ۵ قید شده است....

جدول ۲- انواع روابط مفهومی بین‌واژگانی در سوره اسراء

ش.ج	کلمات باهم‌آیند / شماره آیه	نوع رابطه	ش.ج	کلمات باهم‌آیند / شماره آیه	نوع رابطه
۱	المَسْجِدِ الْحَرَامِ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ﴿۱﴾	مکان / بی فاصله ۴۰	۶۲	عَدُوًّا مُبِينًا ﴿۵۳﴾	اسنادی / بی
۲	السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱﴾	اسنادی / بی	۶۳	الشَّيْطَانَ وَعَدُوًّا مُبِينًا ﴿۵۳﴾	نقشی / با
۳	الْكِتَابِ وَهُدًى ﴿۲﴾	نقشی / بافاصله	۶۴	يَرْحَمُكُمْ أَوْ يُعَذِّبُكُمْ ﴿۵۴﴾	تقابل مکمل / با
۴	مُوسَى الْكِتَابِ ﴿۲﴾	آیت / بی	۶۵	دَاوُدَ زَبُورًا ﴿۵۵﴾	آیت / بی
۵	عَبْدًا شُكْرًا ﴿۳﴾	اسنادی / بی	۶۶	يَرْجُونَ وَيَخَافُونَ ﴿۵۷﴾	تقابل مکمل / با

۶	عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾	اسنادی / بی	۶۷	رَحْمَتَهُ وَعَذَابَهُ ﴿٥٧﴾	تقابل مکمل / با
۷	عِبَادًا وَأَوْلَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ ﴿٥﴾	اسنادی / بی	۶۸	عَذَابَ مَحْدُورًا ﴿٥٧﴾	اسنادی / با
۸	وَعَدَا مَفْعُولًا ﴿٥﴾، ﴿١٠٨﴾	اسنادی / بی	۶۹	قَبْلَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿٥٨﴾	باهم آبی جهتی / بی
۹	أَمْوَالٍ وَبَنِينَ ﴿٦﴾	باهم آبی عطفی / بی	۷۰	مُهْلِكُوهَا وَمُعَذِّبُوهَا ﴿٥٨﴾	باهم آبی هم‌نشینی / با
۱۰	الْقُرْآنَ وَيَهْدِي وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾	نقشی / با	۷۱	عَذَابًا شَدِيدًا ﴿٥٨﴾	اسنادی / بی
۱۱	الْمُؤْمِنِينَ وَالصَّالِحَاتِ ﴿٩﴾	متأثر / با	۷۲	تَمُودَ النَّاقَةَ ﴿٥٩﴾	آیت / بی
۱۲	أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾	اسنادی / بی	۷۳	طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾	اسنادی / بی
۱۳	عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾	اسنادی / بی	۷۴	شَجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ ﴿٦٠﴾	اسنادی / بی
۱۴	أَجْرًا وَعَذَابًا ﴿٩ و ١٠﴾	تقابل مکمل / با	۷۵	آدَمَ وَطِينًا ﴿٦١﴾	جنسی / با
۱۵	شَرِّ وَخَيْرٍ ﴿١١﴾	تقابل مکمل / با	۷۶	مَلَائِكَةَ آدَمَ إِبْلِيسَ ﴿٦١﴾	باهم آبی متداعی / با
۱۶	إِنْسَانَ عَجُولًا ﴿١١﴾	اسنادی / بی	۷۷	جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾	اسنادی / بی
۱۷	اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ﴿١٢﴾	باهم آبی عطفی / بی	۷۸	الشَّيْطَانَ وَغُرُورًا ﴿٦٤﴾	نقشی / بی
۱۸	اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ﴿١٢﴾	باهم آبی عطفی / با	۷۹	خَيْلِكَ وَرَجْلِكَ ﴿٦٤﴾	تقابل مکمل / بی
۱۹	كِتَابًا مَّنشُورًا ﴿١٣﴾	اسنادی / با	۸۰	الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ﴿٦٤﴾	باهم آبی عطفی / بی
۲۰	يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿١٣﴾ ﴿٥٨﴾ ﴿٦٢﴾ ﴿٩٧﴾	باهم آبی هم‌نشینی / بی	۸۱	الْفُلْكَ وَ الْبَحْرِ ﴿٦٦﴾	مکانی / بی
۲۱	نَبَعَتْ وَرَسُولًا ﴿١٥﴾	باهم آبی هم‌نشینی / بی	۸۲	رَبِّ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾	اسنادی / با
۲۲	اهْتَدَىٰ وَضَلَّ ﴿١٥﴾	تقابل مکمل / با	۸۳	الْإِنْسَانَ كَفُورًا ﴿٦٧﴾	اسنادی / بی
۲۳	يَهْتَدِي وَيَضِلُّ ﴿١٥﴾	تقابل مکمل / با	۸۴	الْبَحْرِ وَالْبَرِّ ﴿٦٧﴾	تقابل مکمل / با
۲۴	بَعْدَ نُوحٍ ﴿١٧﴾	باهم آبی جهتی / بی	۸۵	الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ﴿٧٠﴾	تقابل مکمل / بی
۲۵	خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾ ﴿٣٠﴾	اسنادی / بی	۸۶	كَرَمًا وَفَضْلَنَا ﴿٧٠﴾	هم‌معنایی / با
۲۶	مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾	اسنادی / بی	۸۷	أَنَاسٍ وَإِمَامٍ ﴿٧١﴾	تقابل ضمنی / بی
۲۷	الْعَاجِلَةَ وَالْآخِرَةَ ﴿١٨-١٩﴾	ترتیب خطی / با	۸۸	الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ ﴿٧٥﴾	تقابل مکمل / با
۲۸	سَعِيَهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾	اسنادی / بی	۸۹	دُلُوكِ الشَّمْسِ ﴿٧٨﴾	زمان / بی
۲۹	أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ ﴿٢١﴾	اسنادی / بی	۹۰	عَسَقِ اللَّيْلِ ﴿٧٨﴾	زمان / بی

۳۰	أَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾	اسنادی / بی	۹۱	قُرْآنَ الْفَجْرِ ﴿٧٨﴾	زمان / بی
۳۱	مَذْمُومًا مَخْدُورًا ﴿٢٢﴾	اسنادی / بی	۹۲	أَقِمِ الصَّلَاةَ ﴿٧٨﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۳۲	قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾	اسنادی / بی	۹۳	أَقِمِ الصَّلَاةَ طه ﴿١٤﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۳۳	رَبِّ وَغَفُورًا ﴿٢٥﴾	اسنادی / با	۹۴	مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾	اسنادی / بی
۳۴	وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ﴿٢٦﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۹۵	سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾	اسنادی / بی
۳۵	الْمُبَدِّرِينَ وَالشَّيَاطِينَ ﴿٢٧﴾	هم‌شمول / با	۹۶	أَدْخَلَ وَأَخْرَجَ ﴿٨٠﴾	تقابل جهتی / با
۳۶	الشَّيْطَانَ كَفُورًا ﴿٢٧﴾	اسنادی / با	۹۷	مُدْخَلَ مُخْرَجَ ﴿٨٠﴾	تقابل جهتی / با
۳۷	قَوْلًا مَيَسُورًا ﴿٢٨﴾	اسنادی / بی	۹۸	الْحَقُّ وَالْبَاطِلُ ﴿٨١﴾	تقابل مکمل / با
۳۸	مَلُومًا مَحْسُورًا ﴿٢٩﴾	اسنادی / بی	۹۹	الْقُرْآنَ / شِفَاءً وَرَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٢﴾	نقشی / بی
۳۹	خَطًّا كَبِيرًا ﴿٣١﴾	اسنادی / بی	۱۰۰	مُؤْمِنِينَ وَالظَّالِمِينَ ﴿٨٢﴾	تقابل مکمل / با
۴۰	وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ / فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾	علی / بی	۱۰۱	رَحْمَةً وَخَسَارًا ﴿٨٢﴾	تقابل مکمل / با
۴۱	الزَّيْنَىٰ وَفَاحِشَةً ﴿٣٢﴾	شمول معنایی / با	۱۰۲	شِفَاءً وَرَحْمَةً ﴿٨٢﴾	هم‌شمول / بی
۴۲	وَزَيْنًا وَقِسْطَاسَ ﴿٣٥﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	۱۰۳	رَحْمَةً وَفَضْلًا ﴿٨٧﴾	هم‌معنایی / با
۴۳	قِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿٣٥﴾	اسنادی / بی	۱۰۴	فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٨٧﴾	اسنادی / با
۴۴	أَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾	اسنادی / بی	۱۰۵	الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ﴿٨٨﴾	باهم‌آیی عطفی / بی
۴۵	السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ ﴿٣٦﴾	باهم‌آیی متداعی / بی	۱۰۶	جَنَّةٍ / نَخِيلٍ وَعِنَبٍ ﴿٩١﴾	عضوواژگی / بی
۴۶	الْأَرْضِ وَالْجِبَالِ ﴿٣٧﴾	تقابل ضمنی / با	۱۰۷	اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةَ ﴿٩٢﴾	باهم‌آیی عطفی / بی
۴۷	سَيِّئُهُ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾	اسنادی / با	۱۰۸	بَيْتٍ مِنْ زُخْرَفٍ ﴿٩٣﴾	جنسی / بی
۴۸	مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٣٩﴾	اسنادی / بی	۱۰۹	سَبْحَانَ رَبِّ ﴿٩٣﴾	اسنادی / بی
۴۹	قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾	اسنادی / بی	۱۱۰	خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾	اسنادی / بی
۵۰	بَنِينَ وَإِنَاثًا ﴿٤٠﴾	تقابل مکمل / با	۱۱۱	جَهَنَّمَ وَسَعِيرًا ﴿٩٧﴾	جزء واژگی / با
۵۱	سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ ﴿٤٣﴾	اسنادی / بی	۱۱۲	يَهْدِي وَيُضِلُّ ﴿٩٧﴾	تقابل مکمل / با

۵۲	عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾	اسنادی / بی	۱۱۳	عُمِيًّا وَبِكْمًا وَصَمًّا ﴿٩٧﴾	باهم آیی متداعی / بی
۵۳	السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ ﴿٤٤﴾	باهم آیی هم‌نشینی / بی	۱۱۴	مَأْوَا وَجَهَنَّمَ ﴿٩٧﴾	مکان / بی
۵۴	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿٤٤﴾ ﴿٥٥﴾ ﴿٩٩﴾ ﴿١٠٢﴾	باهم آیی عطفی / بی	۱۱۵	اللَّهُ قَادِرٌ ﴿٩٩﴾	اسنادی / با
۵۵	حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾	اسنادی / بی	۱۱۶	إِنْسَانَ قَتُورًا ﴿١٠٠﴾	اسنادی / بی
۵۶	حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾	اسنادی / بی	۱۱۷	يَا مُوسَى ﴿١٠١﴾، ﴿١٠٢﴾	ندایی / بی
۵۷	رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾	اسنادی / بی	۱۱۸	رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿١٠٢﴾	مالکیت / بی
۵۸	عِظَامًا وَرَفَاتًا ﴿٤٩﴾ ﴿٩٨﴾	ترتیب خطی / بی	۱۱۹	فِرْعَوْنَ وَمُوسَى ﴿١٠١﴾	تقابل ضمنی / با
۵۹	خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾ ﴿٩٨﴾	اسنادی / بی	۱۲۰	مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾	تقابل مکمل / بی
۶۰	حِجَارَةً وَحَدِيدًا ﴿٥٠﴾	جنسی / بی	۱۲۱	اللَّهُ وَالرَّحْمَنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿١١٠﴾	شمول معنایی / با
۶۱	الشَّيْطَانَ وَإِنْسَانَ ﴿٥٣﴾	تقابل ضمنی / با	۱۲۲	وَلَدًا وَوَلِيًّا ﴿١١١﴾	تقابل دوسویه / با

جدول ۳- انواع روابط مفهومی بیناواژگانی در سوره کهف

نوع رابطه	کلمات باهم‌بند / شماره آیه	نوع رابطه	کلمات باهم‌بند / شماره آیه
مکان / با	مَاءِ السَّمَاءِ ﴿٤٥﴾	تقابل مکمل / با	يُنْزِلُ وَيُنْشِئُ ﴿٢﴾
باهم آیی عطفی / با	السَّمَاءِ الْأَرْضِ ﴿٤٥﴾	متأثر / با	الْمُؤْمِنِينَ وَالصَّالِحَاتِ ﴿٢﴾
باهم آیی متداعی / با	مَاءِ وَالرِّيَّاحِ ﴿٤٥﴾ ﴿٤٣﴾	اسنادی / بی	بِأَسَاسٍ شَدِيدًا ﴿٢﴾
شمول معنایی / بی	الْمَالُ وَالْبَنُونَ / زِينَةٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٤٦﴾	اسنادی / بی	أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾
باهم آیی عطفی / بی	الْمَالُ وَالْبَنُونَ ﴿٤٦﴾	اسنادی / بی	أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ ﴿٣٠﴾
اسنادی / بی	خَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾	اسنادی / بی	صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾
باهم آیی هم‌نشینی / بی	الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ﴿٤٦﴾	اسنادی / بی	آيَاتٍ عَجَبًا ﴿٩﴾
زمان / بی	يَوْمَ / نُسَيِّرُ الْجِبَالَ ﴿٤٧﴾	باهم آیی عطفی / بی	الْكُهْفِ وَالرَّقِيمِ ﴿٩﴾
زمان / با	يَوْمَ / تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً ﴿٤٧﴾	باهم آیی عطفی / بی	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿١٤﴾
زمان / با	يَوْمَ / حَشَرْنَا هُمْ ﴿٤٧﴾	مالکیت / بی	رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَهْفِ ﴿١٤﴾
تقابل ضمنی / با	الْجِبَالَ وَالْأَرْضَ ﴿٤٧﴾	شمول معنایی / با	رَحْمَتٍ وَمِرْقًا ﴿١٦﴾



۱۲	طَلَعَتْ وَغَرَبَتْ ﴿۱۷﴾	تقابل جهتی / با	۵۲	صَغِيرَةٌ وَكَبِيرَةٌ ﴿۴۹﴾	تقابل مدرج / بی
۱۳	الْيَمِينِ وَالشِّمَالِ ﴿۱۷-۱۸﴾	تقابل جهتی / با	۵۳	مَلَائِكَةُ آدَمَ إِبْلِيسَ ﴿۵۰﴾	باهم‌آیی متداعی / با
۱۴	ذَاتَ الْيَمِينِ ﴿۱۷-۱۸﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	۵۴	إِبْلِيسَ وَالْجِنِّ ۳ ﴿۵۰﴾	هم‌شمول / با
۱۵	ذَاتَ الشِّمَالِ ﴿۱۷-۱۸﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	۵۵	إِبْلِيسَ وَعَدُوًّا ﴿۵۰﴾	نقشی / با
۱۶	يَهْدُ وَيُضِلُّ ﴿۱۷﴾	تقابل مکمل / با	۵۶	مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ﴿۵۶﴾	تقابل مکمل / بی
۱۷	أَيْقَاطًا وَرُقُودًا ﴿۱۸﴾	تقابل مکمل / بی	۵۷	بَاطِلٍ وَالْحَقِّ ﴿۵۶﴾	تقابل مکمل / با
۱۸	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۲۶﴾ ﴿۵۱﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۵۸	يَدَ وَقُلُوبَ وَأَذَانَ ﴿۵۷﴾	باهم‌آیی متداعی / با
۱۹	أَبْصَرَ وَأَسْمِعَ ﴿۲۶﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۵۹	رَبُّ الْغُفُورِ ذُو الرَّحْمَةِ ﴿۵۸﴾	اسنادی / بی
۲۰	الْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ ﴿۲۸﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۶۰	الرَّحْمَةَ وَالْعَذَابَ ﴿۵۸﴾	تقابل مکمل / با
۲۱	حَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿۲۸﴾ ﴿۴۵﴾ ﴿۴۶﴾ ﴿۱۰۴﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	۶۱	حُوتَ وَالْبَحْرِ ﴿۶۱﴾ ﴿۶۳﴾	مکان / با
۲۲	يُؤْمِنُ وَيَكْفُرُ ﴿۲۹﴾	تقابل مکمل / با	۶۲	رَحْمَةً وَعِلْمًا ﴿۶۵﴾	شمول معنایی / با
۲۳	نَارًا وَمَاءً ۴ ﴿۲۹﴾	باهم‌آیی متداعی / با	۶۳	صَبْرًا صَابِرًا ﴿۶۷-۶۹﴾	متأثر / با
۲۴	بُسِّ الشَّرَابِ ﴿۲۹﴾	اسنادی / بی	۶۴	نَفْسًا زَكِيَّةً ﴿۷۴﴾	اسنادی / بی
۲۵	سَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۲۹﴾	اسنادی / بی	۶۵	شَيْئًا نَكْرًا ﴿۷۴﴾	اسنادی / بی
۲۶	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿۳۰﴾ ﴿۱۰۷﴾	ترتیب خطی / بی	۶۶	السَّفِينَةَ وَالْبَحْرِ ﴿۷۹﴾	مکان / با
۲۷	جَنَاتٍ عَدْنٍ ﴿۳۱﴾	اسنادی / بی	۶۷	مَسَاكِينَ وَ مَلَكَ ﴿۷۹﴾	تقابل ضمنی / با
۲۸	أَسَاوِرَ ذَهَبٍ ﴿۳۱﴾	جنسی / بی	۶۸	يَا ذَا الْقُرَيْنِ ﴿۸۶﴾	ندایی / بی
۲۹	ثِيَابًا خَضْرَاءَ ﴿۳۱﴾	اسنادی / بی	۶۹	مَغْرِبَ الشَّمْسِ ﴿۸۶﴾	مکان / بی
۳۰	نِعْمَ الثَّوَابِ ﴿۳۱﴾	اسنادی / بی	۷۰	عَذَابًا نَكْرًا ﴿۸۷﴾	اسنادی / بی
۳۱	حَسَنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۳۱﴾	اسنادی / بی	۷۱	جَزَاءَ الْحُسْنَى ﴿۸۸﴾	اسنادی / بی
۳۲	ثِيَابًا سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ ﴿۳۱﴾	جنسی / بی	۷۲	آمَنَ وَعَمَلَ صَالِحًا / جَزَاءَ الْحُسْنَى ﴿۸۸﴾	علی / بی
۳۳	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴿۳۱﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	۷۳	يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ ﴿۹۴﴾	باهم‌آیی عطفی / بی
۳۴	جَنَّاتٍ وَأَعْنَابٍ وَنَخْلٍ ﴿۳۲﴾	عضوواژگی / بی	۷۴	مَطْلِعَ الشَّمْسِ ﴿۹۰﴾	مکان / بی
۳۵	تُرَابٍ وَنُطْفَةٍ ﴿۳۷﴾	ترتیب خطی / با	۷۵	الْحَدِيدِ وَقَطْرًا ﴿۹۶﴾	جنسی / با
۳۶	مَالًا وَوَلَدًا ﴿۳۹﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۷۶	جَهَنَّمَ وَكَافِرِينَ ﴿۱۰۰﴾ ﴿۱۰۲﴾	مکان / بی
۳۷	صَعِيدًا زَلْفًا ﴿۴۰﴾	اسنادی / بی	۷۷	الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَهَنَّمَ ﴿۱۰۴-۱۰۵﴾	مکان / با

۳۸	خَيْرٌ تَوَابًا ﴿٤٤﴾ ﴿٤٦﴾	اسنادی / بی	۷۸	يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿١٠٥﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۳۹	خَيْرٌ عَقْبًا ﴿٤٤﴾	اسنادی / بی	۷۹	آيَاتِ وَرُسُلٍ ﴿١٠٦﴾	آیت / بی
۴۰	اللَّهُ وَمُقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾	اسنادی / با	۸۰	الَّذِينَ آمَنُوا وَجَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ ﴿١٠٧﴾	مکان / با

#### جدول ۴- انواع روابط مفهومی بیناواژگانی در سورهٔ مریم

نوع رابطه	کلمات باهم‌آیند/شمارهٔ آیه	نوع رابطه	کلمات باهم‌آیند/شمارهٔ آیه
باهم‌آیی جهتی / با	جَانِبِ الْأَيْمَنِ ﴿٥٢﴾	ندایی / بی	يَا زَكَرِيَّا ﴿٧﴾
شمول معنایی / بی	هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾
اسنادی / بی	صَادِقَ الْوَعْدِ ﴿٥٤﴾	ندایی / بی	يَا يَحْيَى ﴿١٢﴾
شمول معنایی / با	إِسْمَاعِيلَ رَسُولًا ﴿٥٤﴾	اسنادی / بی	جِبَارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾
هم‌شمول / با	الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ ﴿٥٥﴾	ترتیب خطی / با	وُلْدٍ وَيَمُوتُ وَيُبْعَثُ ﴿١٥﴾
اسنادی / بی	صَدِيقًا نَبِيًّا ﴿٥٦﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾
شمول معنایی / با	إِدْرِيسَ نَبِيًّا ﴿٥٦﴾	اسنادی / بی	بَشْرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾
اسنادی / بی	مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾	اسنادی / بی	غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾
باهم‌آیی عطفی / بی	إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ ﴿٥٨﴾	اسنادی / بی	أَمْرًا مَفْضِيًّا ﴿٢١﴾
تقابل ضمنی / با	الصَّلَاةَ وَالشَّهَوَاتِ ﴿٥٩﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾
اسنادی / بی	وَعَدَهُ مَاتِيًّا ﴿٦١﴾	اسنادی / بی	رُطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾
اسنادی / بی	جَنَّاتٍ عَدْنٍ ﴿٦١﴾	جزء‌واژگی / بی	جَذْعِ النَّخْلِ ﴿٢٥﴾
مکان / با	الْجَنَّةِ عِبَادٍ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾	جزء‌واژگی / با	النَّخْلِ وَرُطْبًا ﴿٢٥﴾
اسنادی / با	عِبَادٍ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	كُلِيٍّ وَأَشْرَبِيٍّ ﴿٢٦﴾
تقابل جهتی / بی	بَيْنَ أَيْدِيٍّ وَخَلْفٍ ﴿٦٤﴾	اسنادی / بی	شَيْئًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾
باهم‌آیی عطفی / بی	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿٦٥﴾ ﴿٩٣﴾	ندایی / بی	يَا مَرْيَمُ ﴿٢٧﴾
مالکیت / بی	رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿٦٥﴾	ندایی / بی	يَا أُخْتِ هَارُونَ ﴿٢٨﴾
مکان / با	شَيَاطِينَ وَجَهَنَّمَ ﴿٦٨﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ ﴿٣١﴾
اسنادی / بی	حَتْمًا مَفْضِيًّا ﴿٧١﴾	اسنادی / بی	جِبَارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾
اسنادی / بی	خَيْرٌ مَقَامًا ﴿٧٣﴾	ترتیب خطی / با	وُلْدَتُ وَأُمُوتُ وَأُبْعَثُ ﴿٣٣﴾
اسنادی / بی	أَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾	اسنادی / با	لِلَّهِ وَسُبْحَانَ ﴿٣٥﴾

۲۲	صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۳۶﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	۶۱	كَفَرُوا وَاٰمَنُوا ﴿۷۳﴾	تقابل مکمل / با
۲۳	يَوْمَ عَظِيمٍ ﴿۳۷﴾	اسنادی / بی	۶۲	اَحْسَنُ اٰثٰثًا وَّرَثِيًّا ﴿۷۴﴾	اسنادی / بی
۲۴	اَسْمِعْ وَاَبْصِرْ ﴿۳۸﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۶۳	اٰثٰثًا وَّرَثِيًّا ﴿۷۴﴾	باهم‌آیی عطفی / بی
۲۵	الظَّالِمُونَ وَّضَالِلٌ ﴿۳۸﴾	متأثر / با	۶۴	شَرٌّ مَّكَانًا ﴿۷۵﴾	اسنادی / بی
۲۶	ضَلَالٌ مُّبِينٌ ﴿۳۸﴾	اسنادی / بی	۶۵	اَضْعَفُ جُنْدًا ﴿۷۵﴾	اسنادی / بی
۲۷	يَوْمَ الْحَسْرَةِ ﴿۳۹﴾	اسنادی / بی	۶۶	الْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ ﴿۷۶﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۲۸	صَدِيْقًا نَّبِيًّا ﴿۴۱﴾	اسنادی / بی	۶۷	خَيْرٌ نُّوَابًا ﴿۷۶﴾	اسنادی / با
۲۹	يٰۤاَبْتَ ﴿۴۲﴾ ﴿۴۳﴾ ﴿۴۴﴾ ﴿۴۵﴾	ندایی / بی	۶۸	خَيْرٌ مَّرَدًا ﴿۷۶﴾	اسنادی / بی
۳۰	لَا يَسْمَعُ وَّلَا يَبْصُرُ ﴿۴۲﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۶۹	مَالًا وَّوَلَدًا ﴿۷۷﴾	باهم‌آیی عطفی / بی
۳۱	صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿۴۳﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	۷۰	الْعٰذَابِ مَدًّا ﴿۷۹﴾	اسنادی / بی
۳۲	الشَّيْطٰنَ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾	اسنادی / با	۷۱	يَوْمَ / نَحْشُرُ الْمُتَّقِيْنَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَفَدًا وَّنَسُوْقُ الْمُجْرِمِيْنَ اِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿۸۵- ﴿۸۶﴾	زمان / بی
۳۳	يٰۤاِبْرٰهِيْمُ ﴿۴۶﴾	ندایی / بی	۷۲	الْمُتَّقِيْنَ وَّالْمُجْرِمِيْنَ ﴿۸۵-۸۶﴾	تقابل مکمل / با
۳۴	اِسْحٰقَ وَّيَعْقُوْبَ / نَبِيًّا ﴿۴۹﴾	شمول معنایی / با	۷۳	السَّمٰوٰتِ وَّالْاَرْضِ وَّالْجِبَالِ ﴿۹۰﴾	باهم‌آیی متداعی / با
۳۵	اِسْحٰقَ وَّيَعْقُوْبَ ﴿۴۹﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۷۴	يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ﴿۹۵﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۳۶	لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿۵۰﴾	اسنادی / بی	۷۵	الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ ﴿۹۶﴾	ترتیب خطی / بی
۳۷	مُوسَى رَسُوْلًا ﴿۵۱﴾	شمول معنایی / با	۷۶	الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَّالصّٰلِحٰتِ ﴿۹۶﴾	متأثر / بی
۳۸	رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿۵۱﴾ ﴿۵۴﴾	هم‌معنایی / بی	۷۷	تُبَشِّرُ وَّتُنذِرُ ﴿۹۷﴾	تقابل مکمل / بی
۳۹	وَهَبَ وَّرَحْمَتٍ ﴿۵۰﴾ ﴿۵۳﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / با	۷۸	قَوْمًا لُدًّا ﴿۹۷﴾	اسنادی / بی

جدول ۵- انواع روابط مفهومی بیناواژگانی در سوره طه

نوع رابطه	کلمات باهمینند/شماره آیه	نوع رابطه	کلمات باهمینند/شماره آیه
هم‌شمول / بی	الْمَنِّ وَالسَّلْوَى ﴿۸۰﴾	علی / با	أَنْزَلَ الْقُرْآنَ / تَذَكْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿۲﴾ ﴿۳﴾
نقشی / بی	أَضَلَّ السَّامِرِيُّ ﴿۸۵﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	الأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ ﴿۴﴾
اسنادی / بی	وَعَدًا حَسَنًا ﴿۸۶﴾	اسنادی / بی	السَّمَاوَاتِ الْعُلَا ﴿۴﴾
اسنادی / بی	غَضَبَانَ أَسْفًا ﴿۸۶﴾	باهم‌آیی عطفی / با	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۶﴾
ندایی / بی	يَا قَوْمِ ﴿۸۶﴾ ﴿۹۰﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	تَحْتَ الثَّرَى ﴿۶﴾
تقابل مکمل / بی	ضَرًّا وَنَفْعًا ﴿۸۹﴾	شمول معنایی / با	اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿۸﴾
ندایی / بی	يَا هَارُونَ ﴿۹۲﴾	ندایی / بی	يَا مُوسَى ﴿۱۱﴾ ﴿۱۷﴾ ﴿۱۹﴾ ﴿۳۶﴾ ﴿۴۰﴾ ﴿۴۹﴾ ﴿۵۷﴾ ﴿۶۵﴾ ﴿۸۳﴾
ندایی / بی	يَا سَامِرِيُّ ﴿۹۵﴾	اسنادی / بی	وَادِ الْمُقَدَّسِ ﴿۱۲﴾
باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿۱۰۰﴾ ﴿۱۰۱﴾ ﴿۱۲۴﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	أَقِمِ الصَّلَاةَ ﴿۱۴﴾
علی / با	الْمُجْرِمِينَ وَزُرْقًا ﴿۱۰۲﴾	آیت / با	مُوسَى عَصَا ﴿۱۷-۱۸﴾
زمان / بی	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ﴿۱۰۲﴾	آیت / با	مُوسَى يَدِ بَيْضَاءَ ﴿۱۹-۲۲﴾
ترتیب خطی / بی	يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَتَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۰۲﴾	مکان / بی	الْيَمِّ وَسَّاحِلِ ﴿۳۹﴾
هم‌معنایی / بی	قَاعًا صَفْصَفًا ﴿۱۰۶﴾	اسنادی / بی	قَوْلًا لَيْبًا ﴿۴۴﴾
تقابل ضمنی / با	عَوْجًا وَأُمَّتًا ﴿۱۰۷﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	أَسْمَعُ وَ أَرَى ﴿۴۶﴾
تقابل جهتی / بی	بَيْنَ أَيْدِي وَخَلْفِ ﴿۱۱۰﴾	ترتیب خطی / بی	كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۴۸﴾
اسنادی / بی	حَيِّ الْقِيَوْمِ ﴿۱۱۱﴾	باهم‌آیی جهتی / بی	الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿۵۱﴾
باهم‌آیی عطفی / بی	ظُلْمًا وَهَضْمًا ﴿۱۱۲﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	الأَرْضِ السَّمَاءِ ﴿۵۳﴾
اسنادی / بی	قُرْآنًا عَرَبِيًّا ﴿۱۱۳﴾	مکان / بی	السَّمَاءِ مَاءً ﴿۵۳﴾
اسنادی / بی	تَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ﴿۱۱۴﴾	مکان / با	نَبَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۵۳﴾
باهم‌آیی متداعی / با	مَلَائِكَةَ آدَمَ إِبْلِيسَ ﴿۱۱۶﴾	ترتیب خطی / بی	لَكَذَّبَ وَآبَى ﴿۵۶﴾
ندایی / بی	يَا آدَمُ ﴿۱۱۷﴾ ﴿۱۲۰﴾	متأثر / با	لِسَاحِرَانَ سِحْرٍ ﴿۶۳﴾
باهم‌آیی متداعی / با	تَجُوعٍ وَتَعْرَى وَتَطْمَأُ وَتَضْحَى ﴿۱۱۸-۱۱۹﴾	هم‌معنایی / با	سِحْرٍ كَيْدٍ ﴿۶۳-۶۴﴾
اسنادی / با	شَجَرَةَ الْخُلْدِ ﴿۱۲۰﴾	متأثر / بی	كَيْدٌ وَسَاحِرٍ ﴿۶۹﴾

۲۴	هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۶۴	الشَّيْطَانُ وَآدَمُ ﴿١٢٠﴾	تقابل ضمنی / با
۲۵	أَيْدِي وَأَرْجُلٍ ﴿٧١﴾	باهم‌آیی عطفی / بی	۶۵	هُدًى وَيَضِلُّ ﴿١٢٣﴾	تقابل مکمل / با
۲۶	جُدُوعِ النَّخْلِ ﴿٧١﴾	جزء‌واژگی / بی	۶۶	يَضِلُّ وَيَشْقَى ﴿١٢٣﴾	نقشی / با
۲۷	أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾	اسنادی / بی	۶۷	أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي / مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾	علی / بی
۲۸	حَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ ﴿١٠٧﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی	۶۸	أَعْمَى وَبَصِيرًا ﴿١٢٥﴾	تقابل مکمل / با
۲۹	خَطَا وَالسِّحْرِ ﴿٧٣﴾	شمول معنایی / با	۶۹	أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ / عَذَابُ الْآخِرَةِ ﴿١٢٧﴾	علی / بی
۳۰	مُجْرِمًا وَجَهَنَّمَ ﴿٧٤﴾	مکان / با	۷۰	عَذَابُ الْآخِرَةِ / أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾	اسنادی / بی
۳۱	يَمُوتُ وَيَحْيَا ﴿٧٤﴾	تقابل مکمل / با	۷۱	طُلُوعِ وَغُرُوبِ ﴿١٣٠﴾	تقابل جهت‌ی / با
۳۲	مُؤْمِنٍ وَالصَّالِحَاتِ ﴿٧٥﴾ ﴿١١٢﴾	متأثر / با	۷۲	قَبْلَ طُلُوعِ ﴿١٣٠﴾	باهم‌آیی جهت‌ی / بی
۳۳	الدَّرَجَاتِ الْعُلَى ﴿٧٥﴾	اسنادی / بی	۷۳	قَبْلَ غُرُوبِ ﴿١٣٠﴾	باهم‌آیی جهت‌ی / بی
۳۴	مُؤْمِنٍ وَجَنَّاتٍ ﴿٧٥-٧٦﴾	مکان / با	۷۴	اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ﴿١٣٠﴾	باهم‌آیی عطفی / با
۳۵	جَنَّاتٍ عَدْنٍ ﴿٧٦﴾	اسنادی / بی	۷۵	رِزْقِ رَبِّ خَيْرٍ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾	اسنادی / بی
۳۶	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴿٧٦﴾	باهم‌آیی جهت‌ی / بی	۷۶	عَاقِبَةُ وَتَقْوَى ﴿١٣٢﴾	نقشی / بی
۳۷	الْبَحْرِ وَالْيَمِّ ﴿٧٧-٧٨﴾	هم‌معنایی / با	۷۷	الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٣٣﴾	باهم‌آیی جهت‌ی / بی
۳۸	أَضَلَّ هَدًى ﴿٧٩﴾	تقابل مکمل / با	۷۸	نَذَلَ وَنَحَزَى ﴿١٣٤﴾	هم‌معنایی / بی
۳۹	جَانِبِ الْأَيْمَنِ ﴿٨٠﴾	باهم‌آیی جهت‌ی / با	۷۹	الصِّرَاطِ السَّوِيِّ ﴿١٣٥﴾	باهم‌آیی هم‌نشینی / بی
۴۰	يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٨٠﴾	ندایی / بی			

همان‌گونه که جداول فوق نشان می‌دهد در پیکره بررسی‌شده در پژوهش حاضر که مشتمل بر چهار سوره متوالی اسراء، کهف، مریم و طه است، ۳۹۷ نمونه ترکیب باهم‌آیند (۳۳۹ نمونه باهم‌آیی بدون احتساب نمونه‌های تکراری) استخراج شد. از بین ۲۰ رابطه مفهومی معرفی‌شده در بخش سوم، مشخصاً ۱۷ رابطه معنایی در سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه یافت شد که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود:

جدول ۶- نتایج کلی انواع روابط مفهومی در پیکره مطالعه‌شده

جمع کل	طه	مریم	کهف	اسراء	نوع رابطه	
۱۱۷	۱۴	۳۰	۲۳	۵۰	اسنادی	
۹۳	۷	۷	۶	۹	هم‌نشینی	
	۲	۱	۴	۳	متداعی	

	۷	۳	۳	۲	جهتی	
	۸	۱۰	۱۰	۱۱	عطفی	
۵۰	-	-	۱	-	مدرج	تقابل
	۲	۱	۲	۲	جهتی	
	۵	۳	۷	۱۷	مکمل	
	-	-	-	۱	دوسویه	
	۲	۱	۲	۴	ضمنی	
۲۸	۱۶	۹	۱	۲	ندایی	
۲۰	۵	۲	۱۰	۳	مکان	
۱۷	۳	۶	۴	۴	شمول معنایی	
۹	۳	-	۱	۵	نقشی	
۹	۴	۲	۲	۱	متأثر	
۱۲	۳	۳	۳	۳	ترتیب خطی	
۸	۱	۱	۳	۳	زمان	
۷	۴	۱	-	۲	هم‌معنایی	
۶	۴	-	۱	۱	علی	
۶	۲	-	۱	۳	آیت	
۶	-	-	۳	۳	جنسی	
۴	۱	۲	-	۱	جزء‌واژگی	
۳	-	۱	۱	۱	مالکیت	
۲	-	-	۱	۱	عضوواژگی	
۳۹۷	۹۳	۸۳	۸۹	۱۳۲	جمع کل	

خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که میزان هم‌جواری صورت‌های باهم‌آیند نیز در این پیکره مدّ نظر نگارندگان بوده است، اطلاعات آماری مربوط به این ویژگی نیز در جدول ۷ تقریر شده است:

همان‌گونه که جدول ۶ حکایت دارد، در بین ۱۷ رابطه مستخرج از بطن پیکره منظور، رابطه اسنادی، باهم‌آیی و تقابل به ترتیب بیشترین میزان وقوع را به

جدول ۷- بسامد باهم‌آیی‌های بی‌فاصله و بافاصله

میزان هم‌جواری	إسراء	کَهِف	مَریم	طه	جمع کل
باهم‌آیی بی‌فاصله	۸۹	۵۸	۶۲	۶۵	۲۷۴
باهم‌آیی بافاصله	۴۳	۳۱	۲۱	۲۸	۱۲۳
جمع کل	۱۳۲	۸۹	۸۳	۹۳	۳۹۷

بررسی شد. نتایج این ارزیابی در جدول ۸ مشاهده می‌شود:...

به‌منظور سنجش صحت و سقم ترکیبات باهم‌آیند در پیکره‌آزمون‌شده، ۳۰ نمونه از صورت‌های باهم‌آیند انتخاب و بسامدشان در کل مصحف شریف

جدول ۸- بسامد وقوع کلمات باهم‌آیند گزینشی در کل مصحف شریف

میزان بسامد در کل قرآن	صورت باهم‌آیند	بسامد	میزان بسامد در کل قرآن	صورت باهم‌آیند	بسامد
۱۹	ضَلَّالٌ مُّبِينٌ	۱۶	۱۴	يَهْدِي وَيَضَلُّ	۱
۶	حَلِيمًا غَفُورًا	۱۷	۲۶	الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ	۲
۹	جَهَنَّمَ وَكَافِرِينَ	۱۸	۶	النَّاسِ كُفُورًا	۳
۶۹	عَذَابًا أَلِيمًا	۱۹	۳۴	صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٌ	۴
۵۱	اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ	۲۰	۲۳	أَجْرًا كَبِيرًا (عَظِيمًا)	۵
۲۵	مَاءٍ وَالسَّمَاءِ	۲۱	۱۰	الشَّيْطَانَ وَعَدُوًّا مُّبِينًا	۶
۵	خَبِيرًا بَصِيرًا	۲۲	۷	مُبَشِّرٍ وَمُنذِرٍ	۷
۲۳	عَذَابًا شَدِيدًا	۲۳	۱۳	الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ	۸
۱۰	شَرِّ وَخَيْرِ	۲۴	۷	السَّعَةِ السَّمَاوَاتِ	۹
۱۱	جَنَّاتٍ عَدْنٍ	۲۵	۱۸۱	السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	۱۰
۷۰	يَوْمَ الْقِيَامَةِ <sup>۴۵</sup>	۲۶	۶	مُؤْمِنٍ وَالصَّالِحَاتِ	۱۱
۶۱	حَيَاةِ الدُّنْيَا	۲۷	۴۶	أَقِمِ الصَّلَاةَ	۱۲
۱۷	الْإِنْسِ وَالْجِنِّ	۲۸	۱۳	رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	۱۳
۱۲	السَّمِيعِ الْبَصِيرِ	۲۹	۶	أَعْمَى وَبَصِيرًا	۱۴
۱۵	كِتَابٍ وَهُدًى	۳۰	۵۳	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	۱۵

باهم‌آیی نامیده می‌شود که در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند. چگونگی چینش و ترکیب حکیمانانه واژگان با یکدیگر در قرآن کریم که حقیقتاً یکی از زیبایی‌های بی‌بدیل این کتاب الهی است، ساختاری را بر آن حاکم ساخته است که به هیچ روی امکان جایگزینی واژه‌ای را با واژه‌ای دیگر فراهم نمی‌کند. بررسی دقیق این باهم‌آیی‌ها، ما را به اسرار و حکمت‌های خالق هستی رهنمون می‌سازد و نشان می‌دهد که این نظم و انسجام نه تنها

. کثرت بسامد وقوع کلمات باهم‌آیند گزینشی در کل مصحف شریف بیانگر انسجام، پیوستگی و ارتباط گسترده معنایی سوره مختلف قرآن کریم است. یقیناً بررسی پیکره‌ای به وسعت کل قرآن مهر تأییدی است بر این استدلال.

### نتیجه

هم‌نشینی کلمات یا گروهی از کلمات که میلی آشکار برای ظاهرشدن در کنار یکدیگر دارند، فرایند

در مصحف شریف که در کل عالم هستی برقرار است، قدرت و خلاقیت خداوند عزوجل در تلفیق واژگان، تناسب لفظی و معنایی دلنشینی را رقم زده است که سبب تأثیر عمیق کلام وحی بر دل بشریت است؛ به واقع باهم‌آیی‌ها زائیده نگرشی است که درصدد است تا مفاهیم حکمت‌گونه‌ای را به مخاطب خویش القاء کند.

رهیافت حاضر با بررسی پیکره‌ای به وسعت چهار سوره متوالی اسراء، کهف، مریم و طه، به بازنمایی باهم‌آیی‌های قرآنی پرداخته است. بعد از معرفی ۲۰ رابطه مفهومی بین‌واژگانی، کلیه ترکیبات باهم‌آیند در ۴۵۴ آیه از چهار سوره مبارکه فوق‌الذکر استخراج، و بر مبنای روابط مفهومی تعریف شده تنظیم شد. در نهایت ۳۹۷ نمونه ترکیب باهم‌آیند با احتساب نمونه‌های تکراری (۳۳۹ نمونه ترکیب باهم‌آیند بدون احتساب نمونه‌های تکراری) به دست آمد. از بین ۲۰ رابطه معرفی شده، ۱۷ رابطه در پیکره بررسی شده، مشاهده شد که حاکی از بهره‌گیری گسترده قرآن از فرآیند باهم‌آیی به منظور القاء و انتقال مفاهیم و اصول معرفتی است. در این جستار روابط اسنادی، باهم‌آیی و تقابل بیشترین میزان وقوع را به خود اختصاص دادند.

شناسایی و توصیف باهم‌آیی‌های ساده و چندگانه، یک‌سویه و دوسویه و نیز بافاصله و بی‌فاصله از دستاوردهای این پژوهش است که نگارنده در خلال تحقیق به آنها دست یافت. در باهم‌آیی‌های ساده صرفاً دو واژه با یکدیگر هم‌نشین می‌شوند؛ درحالی که در باهم‌آیی‌های چندگانه، تعداد واژگان بیش از دو تاست. ترکیب الأموال والأولاد نمونه‌ای از باهم‌آیی‌های ساده و ترکیب عُمياً و بُكْمًا و صُمًّا نمونه‌ای از باهم‌آیی‌های

چندگانه محسوب می‌شود؛ چنانچه در یک ترکیب باهم‌آیند، صرفاً یک واژه محوری وجود داشته باشد باهم‌آیی از نوع یک‌سویه و چنانچه هر دو واژه یک ترکیب باهم‌آیند، واژه محوری باشند باهم‌آیی از نوع دوسویه خواهد بود. ترکیبات یَوْمَ الْقِيَامَةِ و حَيِّ الْقَيُّومِ به ترتیب به باهم‌آیی‌های یک‌سویه و دوسویه اشاره دارند. در باهم‌آیی بافاصله، بین واژه‌های هم‌نشین، واژه یا واژه‌های دیگری قرار می‌گیرد که این واژه‌های میانی خود تشکیل گروه یا گروه‌های دستوری متفاوتی را می‌دهند. در عبارت یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ، جفت‌واژه صَبْرٍ و الصَّابِرِ نوعی باهم‌آیی بافاصله است؛ درحالی که در باهم‌آیی‌های بی‌فاصله، واژگان هم‌نشین بدون فاصله و در مجاورت یکدیگر قرار دارند. ترکیب خَبِيرًا بَصِيرًا نمونه‌ای از باهم‌آیی بی‌فاصله است.

نیز، به منظور سنجش صحت و سقم ترکیبات باهم‌آیند در پیکره آزمون‌شده و میزان بسامد آنها در کل قرآن، ۳۰ نمونه از صورت‌های باهم‌آیند انتخاب و بسامدشان در کل مصحف شریف بررسی شد. نتایج تأمل‌پذیر این جستجو نشان داد که برخلاف تعدد و تنوع موضوعات و نزول تدریجی قرآن، برخی از ترکیبات باهم‌آیند در جزء جزء قرآن مشاهده می‌شود. ترکیباتی نظیر یَوْمَ الْقِيَامَةِ، الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، أَجْرًا كَبِيرًا (عظيماً)، صَلَاةً وَالزَّكَاةَ، حَقًّا وَ الْبَاطِلَ، اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، حَيَاةِ الدُّنْيَا، صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، عَذَابًا أَلِيمًا، سَمِيعُ الْبَصِيرِ، يَهْدِي وَيَضِلُّ، مَاءٍ وَالسَّمَاءِ، ضَلَالٍ مُّبِينٍ و ... از این دست‌اند که نه تنها منقطع و گسسته‌بودن قرآن را تأیید نمی‌کنند؛ بلکه حکایت از زنجیره به‌هم‌پیوسته‌ای دارد که در کلیت آن، امر هدایت بشریت نهفته است. در قرآن مجید از چیزی



۴۰. در ادامه مطلب واژه «بی‌فاصله» و «بافاصله» به ترتیب به صورت تخفیف یافته «بی» و «با» نگاشته می‌شود.

۴۱. کلمات باهم‌آیند «مَلَائِكَةُ و آدَمَ و ابْلِيسَ» علاوه بر سُور فوق‌الذکر، در سُور مبارکه ﴿بقره/۳۴﴾ و ﴿اعراف/۱۱﴾ نیز مشاهده شد.

۴۲. برای اطلاعات بیشتر به پانویس ۳ مراجعه شود.

۴۳. شیطان مفهومی کلی است به معنای موجودی متمرد و طغیانگر که شامل ابلیس و دیگر شیاطین از جن و انس و حتی حیوانات می‌شود.

۴۴. نَار، مَاء، رِيح و تُرَاب عناصر اربعه‌ای هستند که در رابطه باهم‌آیی متداعی قرار دارند.

۴۵. قرآن کریم قیامت را به بیش از هفتاد اسم می‌خواند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: یوم الحسرة، یوم الدین، یوم الفصل، یوم الخروج، یوم الحساب، یوم الخلود، یوم البعث، یوم الحق، یوم الوعيد، یوم الجمع، یوم الموعود، یوم التلاق، یوم التناد، یوم الندامة، یوم التغابن، یوم الفراق و...؛ اما در پژوهش حاضر ترکیب باهم‌آیند یَوْمَ الْقِيَامَةِ مد نظر نگارندگان بوده که در کل قرآن بررسی و شمارش شد.

#### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، شیما و پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی زبان‌شناختی باهم‌آیی‌های واژگانی در خمسه نظامی»، نشریه ادب و زبان، ش ۳۴، صص ۳۳-۵۱.
۳. پناهی، ثریا (۱۳۸۱)، «فرآیند باهم‌آیی و ترکیب‌های باهم‌آیند در زبان فارسی»، زبان و ادبیات، نامه فرهنگستان، ش ۱۹، صص ۱۹۹-۲۱۱.

سخن رانده نشده، مگر آنکه بلافاصله به توصیف آن اهتمام ورزیده شده است و خداوند خود در این کتاب مسیر همواری را فراروی بشریت قرار داده تا روزی که آن را یوم الحسره نامیده است، در عذر و بهانه را به روی خلق ببندد.

#### پی‌نوشت

1. Collocation
2. Halliday & Hasan
3. Richard Bell
4. Firth
5. Cruse
6. Benson. M, & Benson. E, & Ilson. R
7. Dominant word
8. Pivot word
9. Feature percolation
10. Context
11. Hyponymy
12. Superordinate
13. Hyponym
14. Co-hyponym
15. Meronymy
16. Portion-mass
17. Member-collection
18. Collection
19. Member
20. Synonymy
21. Semantic opposition
22. Semantic field
23. Gradable opposition
24. Complementary opposition
25. Symmetrical opposition
26. Directional opposition
27. Lexical opposition
28. Connotational opposition
29. Semantic contrast
30. Antipodal contrast
31. Orthogonal contrast
32. Cyclical contrast
33. Syntagmatic collocation
34. Associative collocation
35. Coordinative collocation
36. Directional collocation
37. Polysemy
38. Functional
39. Attributive

۴. پهلوان‌نژاد، محمدرضا و سزاوار، علیرضا (۱۳۸۷)، «معناشناسی قرآن (مطالعه موردی سوره جمعه)»، صص ۱۰۷-۱۳۰.
۵. رضوانی، الهه و قنسولی، بهزاد (۱۳۹۰)، «چند معنایی در قرآن کریم، مطالعه موردی ترجمه واژه فتنه»، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ش ۴. صص ۳۵-۵۵.
۶. سیدی، سید حسین و اخلاقی، الهام (۱۳۹۱)، «تحلیل رابطه باهم‌آیی در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)»، نیمسال‌نامه مطالعات قرآنی و روایی، ش ۲. صص ۹-۲۹.
۷. شریفی، شهلا و نامور فرگی، مجتبی (۱۳۹۱)، «تقسیم‌بندی جدید انواع باهم‌آیی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرامتنی در شکل‌گیری انواع باهم‌آیی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش ۷. صص ۳۹-۶۲.
۸. صفا، پریوش و زمانی، مینا (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای «باهم‌آیی‌ها» در کنش زبانی بیان شدت در فرانسه و فارسی». فصلنامه پژوهش‌های زبانی و ادبیات تطبیقی. ش ۳. پیاپی ۱۱. صص ۱۲۳-۱۴۱.
۹. صفوی، کورش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۰. عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰)، «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان قرآنی (بررسی ادعاهای ریچارد بل در خصوص «متقطع بودن» قرآن)»، ترجمه ابوالفضل حرّی، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴. پیاپی ۶۷. صص ۸۶-۱۱۷.
۱۱. فلاحی قمی، محمد (۱۳۹۰)، «خطاب و مخاطب در قرآن»، بینات، ش ۷۰. صص ۴۲-۵۸.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، ترجمه قرآن کریم، بیروت: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. میرعمادی، سید علی و کربلانی صادق، مهناز (۱۳۸۸)، «بررسی باهم‌آیی واژگانی در آثار منظوم و مثنوی مولانا در چارچوب نظریه نقش‌گرایی». دوفصلنامه زبان و زبان‌شناسی. دوره ۵. ش ۱۰. صص ۱۱۵-۱۳۳.
14. Abdul-Raof, H (2005) *Textual Progression and Presentation Technique in Qur'anic Discourse: An Investigation of Richard Bell's Claims of 'Disjointedness with Especial Reference to Q. 17° 20* . Journal of Qur anic Studies, 7 (2). PP. 37-60.
15. Benson, Morton & Evelyn Benson & Robert Ilson (1993). *The BBI Combinatory Dictionary of English*. Amsterdam: John Benjamin s publishing Company.
16. Cruse, A. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Ebrahimi, Sh., Pahlavannezhad, M. R. & Nadernezhad, G., (2012) *The analysis of Quranic Collocation in the Orchard "Boostan of Sa'di* . International Journal ofLinguistics, 4 (3). PP. 281-292.
18. Firth, J.R. (1957). *Modes of Meaning*. In *J.R.Firth, Papers in Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
19. Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
20. Porzig, W., (1934). *Wesenhafte Bedeutungsbeziehungen*. Beitrage zur deutschen Sprache und Literature 58: 70-97.
21. Richard, B. (1953) *Introduction to the Qur'an*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
22. Saeed, J. I., (2009). *Semantics*. Blackwell Publishers Ltd.